

The Capacities of Public Law for Supporting Academic Research

(Type of Paper: Research Article)

Hassan Mohseni*

Abstract

The law being discussed in this paper was passed in 2017 in order to regulate the authenticity and accuracy of research works. This law both criminalizes fraud in research works, and sets administrative and disciplinary responses to prevent such fraud. Preparation, supplying, and transferring fraudulent research works for profit, and with the aim of transferring them to others for their own use, shows that a distinction must be made between the production of fraudulent research works and their use. Therefore, the legislator has a punitive and criminal-law approach to producing fraudulent research works while it prefers administrative and disciplinary solutions to using such works. The latter approach prioritizes intervention by administrative and/or disciplinary authorities at universities and higher education institutions. However, legislature's efforts to spread a culture of respect for intellectual property rights, and to prevent fraud through public-law tools are much more desirable.

Keywords

preparing, presenting, transfer, duration of preparations, culture.

* Associate Prof., Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hmohseny@ut.ac.ir
Received: May 30, 2019 - Accepted: May 10, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

ظرفیت‌های حقوق عمومی در حمایت از پژوهش‌های علمی دانشگاهی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

حسن محسنی*

چکیده

برای سامان دادن به اصالت و صحت آثار علمی و پژوهشی، قانون موضوع این مقاله در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید. این قانون هم عمل را جرم دانسته و هم واکنش‌های حقوق اداری، انتظامی و انضباطی برای جلوگیری از تقلب و فساد ناشی از آن مقرر کرده است. تهیه، عرضه و واگذاری آثار علمی تقلبی به قصد انتفاع و با هدف واگذاری به غیر برای اینکه او برای خود استفاده کند، مؤید این امر است که میان تولید آثار تقلبی و استفاده از آن باید فرق نهاد. از این رو مقنن در مرحله تولید اثر تقلبی، رویکرد سزادهی و مجازات دارد و در فرض استفاده، راهکارهای حقوق اداری، انضباطی و انتظامی را ترجیح داده است. مورد اخیر، اولویت را به مراجع اداری و انتظامی یا انضباطی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌دهد. تلاش مقنن برای گسترش فرهنگ رعایت حقوق مالکیت فکری و بستن روزنه‌های «فساد» و «تقلب» به کمک مجموعه‌ای از ابزارهای حقوق عمومی، ستودنی است.

کلیدواژگان

تهیه، جریان تهیه، صلاحیت دانشگاه‌ها، عرضه، علمی-پژوهش، واگذاری.

* دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: hmohseny@ut.ac.ir

مقدمه

از نظر حقوق مدنی و مالکیت فکری تولید کارهای علمی-پژوهشی سفارشی منعی ندارد و تنها قید، رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده واقعی و اخلاق پژوهش است (مواد ۱۳ و ۱۴ قانون حمایت مؤلفان و مصنفان ۱۳۴۸)^۱. این رویکرد، با بروز گرایش بسیار برای ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و با افزایش شمار دانشجوی تحصیلات تکمیلی^۲ و به وجود آمدن فراز و فرود گسترده در کیفیت و شمار آثار علمی و پژوهشی اعم از مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها^۳ به پیامدهای ناگواری منجر شد، چراکه همین توافقات موجب پدید آمدن آثار تقلبی و شیوع نقض اخلاق پژوهش و هدررفت سرمایه‌های ملی می‌شد. انجام این کارها در دانشگاه نیز بیشتر از همه نمود داشت و اعتبار علم را ساقط می‌کرد.

بروز و ظهور مؤسسات غیرمجاز آموزشی و مدارک بی‌اعتبار دانشگاهی اعم از دانشنامه، گواهینامه، معادل و غیره نیز که به تصویب قانون «ماده واحد قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دایر شده و می‌شوند» در سال ۱۳۷۲ منجر شد^۴، در تضعیف و بی‌ارزش شدن قبول زحمت برای تحصیلات، مؤثر بود. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره «ممنوعیت صدور مدرک معادل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی» در سال ۱۳۷۷ وضع شد و سرانجام، نظارت قضایی و اداری اولویت یافت که پس از تصویب «قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» در سال ۱۳۸۸، به تصویب «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» در سال ۱۳۹۶ انجامید که موضوع این نوشته است. این قانون به پاسداری از نظم عمومی، اخلاق پژوهش که بخشی از اخلاق حسنه است، واکنش‌های حقوق عمومی به معنای اعم را برای برخورد با تقلب در آثار علمی و پژوهشی برگزید و حوزه حقوق خصوصی و اخلاق پژوهش^۵ را که اولی توافق‌پذیر و

۱. همین سیاست نیز در حوزه نرم‌افزارهای رایانه‌ای و حقوق مالکیت صنعتی تا حدی تعدیل شده است. ر.ک: ماده ۶ قانون

حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای ۱۳۷۹ و بند «ه» قانون اختراعات، علائم و طرح‌های صنعتی، ۱۳۸۶

۲. ر.ک: قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب

۱۳۹۵ که ترتیباتی را برای پذیرش دانشجویان این دوره‌ها پیش‌بینی کرده است و قوانین و مقررات پیشین از آن.

۳. درباره آسیب‌های این تنزل کیفیت در رشته حقوق در پی ترقی کمیت ر.ک: صفایی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۶۶۰-

۶۵۶؛ همچنین درباره دانشگاه‌های باز و آموزش از راه دور ر.ک: حقیقی و فرج‌الهی، ۱۳۹۳: ۳۹.

۴. قانونگذار به ممنوعیت تأسیس غیرمجاز مرکز دانشگاهی و آموزشی جز از سوی وزارتین علوم، تحقیقات و

فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ماده ۱۰۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب

۱۳۸۰/۱۱/۲۷ توجه نموده که با بند «ح» ماده ۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مصوب ۱۳۸۳ کامل شد.

۵. در این باره بسیار نوشته شده است. ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۷-۷.

دومی درونی است، ارتقا داد. «حقوق پژوهش‌های دانشگاهی»^۱ سامانه میان‌رشته‌ای است؛ نه حقوق کیفری به معنای اخص و نه حقوق مدنی و مالکیت فکری محض و نه به‌تنهایی حقوق اداری (انتظامی یا انضباطی) است. دیگر نمی‌توان رابطه میان سفارش‌دهنده و استفاده‌کننده را رابطه خصوصی و نسبی دانست؛ آثار عمومی آن در جامعه، بر ماهیت آن رابطه حکومت دارد. در این مقاله رد پای همین نگاه منبعث از حقوق عمومی را بررسی خواهیم کرد و با نقد و بررسی قانون موضوع این نوشته به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌دهیم: کدام آثار علمی پژوهشی مورد حمایت مقنن هستند؟ چه فرقی میان تهیه و اعمال در جریان تهیه وجود دارد؟ چه قصد انتفاعی لازم است؟ چه رفتاری شغل یا حرفه در انجام بزه موضوع این قانون است؟ میان تولید آثار تقلبی و استفاده از آن چه فرقی هست که موجب ایجاد مرز میان واکنش کیفری و واکنش‌های اداری شده است؟ سرنوشت اثر تقلبی از حیث اصول مالکیت فکری و انتساب اثر چه می‌شود؟ اگر با این قانون روش‌های برخورد قضایی در پرونده‌های علمی پژوهشی دانشگاه‌ها اعمال شود، آیا نظم دانشگاهی حفظ می‌شود یا اینکه باید از اصلی دفاع کرد که «صلاحیت رسیدگی به اعمال موضوع این قانون در مراجع اداری، انتظامی و انضباطی در درون دانشگاه» را می‌پذیرد؟ در جهانی که تقلب در تهیه آثار علمی دانشگاهی با پیش‌فرض‌های بی‌اطلاعی از وجود آثار قبلی و دسترسی و وقت مطالعه نداشتن، حتی در فرض دسترسی، انجام می‌گیرد، چه سیاستی می‌تواند هم با این تقلب مبارزه کند و هم پیشگیری؟ اینها پرسش‌های اصلی این نوشته هستند و مقاله حاوی مسائل مرتبط بیشتری است. غایت این مقاله تبیین راهکارهای دوری آثار علمی و پژوهشی دانشگاهی از «فساد»^۲ ناشی از «تقلب»^۳ است.

ارزیابی کلی قانون، تلاش خوبی را نشان می‌دهد که چنانچه به‌درستی اجرا شود، تقلب و فساد در این حوزه کم خواهد شد. روش کار بررسی قانون سال ۱۳۹۶ و برجسته کردن وجوه حقوق عمومی در آن است.

در این مقاله به تقلب در آثار علمی (بند ۱) و سیاست کردن تقلب و ابعاد کیفری و انتظامی آن (بند ۲) و سرانجام روش‌های پیشگیری از وقوع این رفتار (بند ۳) می‌پردازیم.

۱. حقوق تحقیقات دانشگاهی هنوز در نظام حقوقی ایران شکل نگرفته؛ برخی حقوقدانان پیش از این به حقوق مالکیت فکری آثار دانشگاهی ورود ارزشمندی نموده‌اند (ر.ک: صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷-۴۱؛ انصاری، ۱۳۸۷).
۲. درباره فساد دانشگاهی و مقابله با آن ر.ک: قانندی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶-۱؛ خواهیم دید که بسیاری از سفارش‌های این پژوهشگران با توجه به تجربه‌های جهانی، در خصوص دفتر مالکیت فکری دانشگاه‌ها و تهیه قوانین بازدارنده و پیشگیری در این قانون جامعه عمل پوشیده است.
۳. دکتر فرامرز رفیع‌پور فساد را سرطان اجتماعی نامیده که به‌آرامی و مطبوعیت تمام وارد یک جامعه می‌شود، همه سطوح آن را فرا می‌گیرد و تار و پود یک نظام اجتماعی را متلاشی می‌کند. وی عواملی را در سوابق ایران در فساد برمی‌شمارد که دو مورد یعنی «بی‌فرهنگی» و «غرور، غفلت و بی‌قیدی» مهم و اصلی است (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۹۶ به بعد).

ارکان تقلب در آثار علمی

تقلب به معنای ساختگی بودن اثر علمی-پژوهشی در این ماده واحده، باید به شکل تهیه، عرضه، واگذاری آثاری انجام گیرد. هم این عمل و هم آن آثار در قانون تعریف نشده است. پس، «موضوع و عمل تقلب» و «قصد و هدف این کار» باید بررسی شود.

۱. موضوع و عمل تقلب در آن

«تهیه» که در لغت به معنای «آماده کردن و ساختن است» (دهخدا، ۱۳۸۵ الف: ۸۱۴) و «عرضه» به معنای «ظاهر کردن چیزی یا نشان دادن چیزی به کسی» است در این قانون آمده است. واگذاری نیز در کتاب‌های لغت به معنای «تسلیم کردن، تحویل دادن و در اختیار کسی قرار دادن» است (دهخدا، ۱۳۸۵ ب: ۳۱۱۶). به نظر می‌رسد آنچه در کتب لغت آمده، معنیاً نزدیک به همان مقصود مقنن از واژگان فوق باشد و مقنن در معنای این واژگان به همان معنای رایج لغوی-عرفی نظر داشته است. با این وصف، ارجاع به لغت با این اشکال مواجه می‌شود که تمییز جرم را که یک حقیقت قانونی است، به حقیقت لغوی واگذار می‌کند. عرف هم اگر صرفاً برای «حراز موضوع مسائل جزایی به کار» رود (ر.ک: باهری، ۱۳۸۱: ۱۱۰) مقبول است. خواهیم دید که این ارجاع، در جدایی «تهیه» از «خدمات در جریان تهیه» با چالش‌هایی روبه‌روست.

«اثر علمی-پژوهشی» چیزی است که تهیه و عرضه و واگذاری آن موضوع این قانون است. می‌توان پذیرفت که «اثر» در این قانون به همان معنای مورد اشاره در «قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸ است که در نظام حقوقی ما قانون اصلی (مادر) است.^۱ با وجود این، قانونگذار در ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ آثار مشمول حمایت را برشمرده که در فهرست دوازدهگانه غیرحصری آمده است، به‌ویژه اینکه «هرگونه اثر مبتکرانه دیگر را که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد»، نیز در برمی‌گیرد.

از حیث پژوهش‌های دانشگاهی اگرچه به «رساله» در بند ۱ ماده ۲ مرقوم تصریح شده و حسب قاعده مذکور در ماده ۱ آن قانون که اثر را «بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته» موضوع حکم مقنن قرار می‌دهد (ر.ک: صفایی،

۱. برخی استادان در نقد واژه «اثر» در قانون ۱۳۴۸ واژه «آفرینه» را به این دلیل پیشنهاد کرده‌اند، چراکه ممکن است کسی با اشتباه یا حادثه، اثری را پدید آورد که آفریده یا آفرینه او به‌شمار نمی‌آید، مانند اثر رد پای عبور در ساحل. آفرینه فکری برای آفریننده، مالکیت ادبی (دارش ادبی) پدید می‌آورد که به دو دسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۶۴-۱۶۳).

۱. این قاعده در ماده ۱ معاهده برن پذیرفته شده (ر.ک: محمدزاده و محسنی، ۱۳۸۸: ۳۹۱) و در موافقت‌نامه تریپس به کفایت نمود عینی اثر، صرف‌نظر از نحوه آن تأکید شده است (صادقی و محسنی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

۱۳۷۵: ۷۱-۷۰؛ صفایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۲)، با وجود این، در خصوص شمول حمایت این قانون بر «پایان‌نامه» گفت‌وگو بوده است. در معنای عرفی و رایج در دانشگاه‌ها، مقصود از رساله، رساله دکتری است و منظور از پایان‌نامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد است و آن نوشته‌ای است که در زمینه مشخص برای پایان تحصیلات تکمیلی زیر نظر استاد یا استادان راهنما و مشاور تهیه شده و در حضور داور یا داوران عرضه و دفاع می‌شود. وزارت علوم و تحقیقات و فناوری نیز در آیین‌نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب ۱۳۹۴، پایان‌نامه را تعریف کرده است: «بخشی از شیوه آموزشی-پژوهشی است که در یک زمینه مشخص رشته تحصیلی و با راهنمایی استاد راهنما انجام می‌شود» و آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی (PhD) مصوب ۱۳۹۵ آن وزارتخانه نیز تعریفی از رساله به دست داده است: «گزارش مکتوب حاصل از یک فعالیت پژوهشی دانشجوی دوره دکتری تخصصی است که در یک زمینه مشخص از یک رشته تحصیلی و با راهنمایی استاد/استادان راهنما و استاد/استادان مشاور تدوین می‌شود».

به هر روی، در قانون ۱۳۴۸ که شیوه بیان اثر مؤثر در مقام نیست و در ماده ۲ آن به رساله به عنوان یکی از آثار قابل حمایت اشاره شده، کمترین تردیدی درباره قابل حمایت بودن پایان‌نامه وجود نداشت و اندک شک در این بود که آیا برگزاری جلسه دفاع، به منزله بیان می‌تواند باشد که با وضع ماده ۱۶۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ به کلی مرتفع شد: «گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای به‌عنوان «اثر» مشمول مفاد قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ می‌گردد».

«مقاله» نیز در این قانون تعریف نشده است، ولی در عرف، مقاله معنای مشخصی دارد و به اثری گفته می‌شود که درباره یک یا چند موضوع معین توسط یک یا چند نفر نوشته می‌شود؛ موضوعی که معرفی و تبیین شده، دارای پرسش‌های معینی است و در آن فرضیه و راهکارهای حل مشکلات آمده، در چارچوب یک فهرست، مطرح و در مجلات دارای درجاتی مشخص، پس از داوری منتشر می‌شوند (ر.ک: آیین‌نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۲/۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). ماده ۱۹ آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی، تهیه مقاله علمی-پژوهشی از رساله دکتری را برای برگزاری جلسه دفاع لازم دانسته و این موجب شده است تا از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، آثاری تحت عنوان مقاله استخراج شود که اگر در آن آثار، تقلبی روی داده باشد، این تقلب به مقالات نیز تسری می‌یابد.

«طرح پژوهشی» هم اگرچه در این قانون تعریف نشده است، اما در عرف دانشگاه و مقررات مربوط، معنای مشخصی دارد؛ پیشنهادی است برای انجام پژوهش علمی یا کاربردی یا بنیادی از یک عضو هیأت علمی که در مراجعی همچون گروه علمی و شورای پژوهشی دانشکده یا دانشگاه به تصویب رسیده و دارای هدف و برنامه زمان‌بندی و اعتبار تخصیص یافته و مراحل انجام و پرداخت معین است. برای نمونه «آیین‌نامه تخصیص اعتبار ویژه (گرنه) به اعضای هیأت علمی

دانشگاه تهران» دارای مقرراتی مفصل درباره انواع و اقسام طرح پژوهشی و نحوه انجام آن است. «کتاب» نیز اعم از اینکه تألیف باشد یا تصنیف، دارای معنای شناخته شده‌ای در عرف است که مؤلف یا مصنف با هدف آموزش یا پژوهش آن را نوشته و با اجرای تشریفات معین و اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طبع می‌رسد. خواه این نشر چاپی باشد، خواه الکترونیک. «گزارش» در این قانون به نظر معطوف به گزارش‌های پژوهشی موضوع قوانین و مقررات خاص دانشگاه‌هاست.

می‌توان پذیرفت که به‌طور کلی، موضوع این قانون در تفاوت با قانون ۱۳۴۸ که نحوه و شیوه بیان در پدید آمدن اثر بی‌تأثیر بود، هر اثر پژوهشی-علمی یا هنری، اعم از الکترونیک یا غیر آن است که از عنصر تثبیت برخوردار باشد. مکتوب یا ضبط شده بودن در این قانون به نظر، با توجه به ویژگی آثار علمی-پژوهشی یا هنری مقرر شده و مانع آن نخواهد بود که برابر این قانون، تهیه، عرضه و واگذاری آن گونه آثار، حتی بدون آنکه مکتوب یا ضبط شده باشد، نیز میسر باشد. نباید پنداشت که اثر باید به‌عنوان رساله، پایان‌نامه، مقاله یا کتاب یا طرح پژوهشی باشد تا تهیه، عرضه و واگذاری آن مشمول قانون حاضر شود. واژه «تهیه» در این ماده واحد، موجب پذیرش این دیدگاه خواهد بود که تقلب، قبل از اینکه اثر رسماً به شکل رساله یا پایان‌نامه یا کتاب و دیگر مصادیق درآید، در گستره این قانون قرار می‌گیرد که با اهداف عمومی حقوق مالکیت فکری همسوست.

۲. قصد و هدف تقلب

تهیه، عرضه و واگذاری این آثار در قانون حاضر باید قصد انتفاع و به‌عنوان حرفه یا شغل انجام گیرد. قصد انتفاع ظهور در قصد انتفاع مادی دارد و منصرف از مقاصد معنوی است. برای نمونه، پدری که برای بالا بردن کیفیت علمی رساله دکتری فرزند، مطلبی را برای او تهیه می‌کند، از آنجا که نفع مادی ندارد، قابل پیگرد نیست. او قصد انتفاع معنوی در تهیه، عرضه یا واگذاری دارد. جرم‌شناسی ممکن است میان این دو قصد فرقی نگذارد (چراکه بالا بردن توانایی تحلیل، توصیف و نوشتن خود دانشجوی تحصیلات تکمیلی هدف اصلی آموزش و پژوهش است)، ولی در این قانون، آن فقط نوعی انگیزه است و موجب مجرمانه بودن عمل نمی‌شود زیرا قصد انتفاعی در این قانون مورد توجه است که باید تهیه، عرضه و واگذاری حرفه‌ای و شغلی با قصد انتفاع و «با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به‌عنوان اثر خود» نشان‌دهنده عمدی بودن جرم است و احراز «هدف» مذکور، به نظر، برابر خواهد بود با علم به موضوع جرم و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه (ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی). شغل یا حرفه هم در ادبیات حقوق کیفری مصداق جرم به عادت است نه رفتار موردی. همچنین به‌غیر «سرقت ادبی»

جرمی عمدی و یکسویه است^۱، نظر به ارادی و دوسویه بودن اعمال موضوع قانون حاضر، قانونگذار خواسته تا رابطه ولایت بر اثر را که نسب اثر را معین می‌کند (ر.ک: صفایی، ۱۳۷۵: ۸۵)، به طور واقعی معلوم باشد و در فرضی که شخصی بر پایه یک رابطه حقوق خصوصی، اثر خود را با قصد مذکور و به‌عنوان شغل یا حرفه به دیگری می‌دهد تا به‌عنوان اثر خود استفاده کند و از مزایای مادی و معنوی آن بهره‌بردار، این انتساب به پاسداری از حقوق عمومی، هیچ‌گاه از بین نرود. فرقی هم نیست که آنچه برای دیگری تهیه می‌کند یا به او عرضه یا واگذار می‌کند، قبلاً منتشر شده یا نشده باشد؛ کافی است منتسب به گیرنده نباشد که این هم ناشی از نفوذ نگرش حقوق عمومی در حوزه دانشگاه است.

پرسش این است که اگر انتساب چنین اثر تقلبی به گیرنده مردود است، آیا برای تولیدکننده حقیقی چنین اثر تقلبی حق مالکیت فکری به‌وجود می‌آورد؟ پاسخ می‌تواند با فرض اصالت یا جعلیت اثر متفاوت باشد؛ در فرض نخست، صرف‌نظر از ابعاد جرم یا تخلف ناشی از تقلب، باید برای پدیدآورنده واقعی آن حق انتساب اثر قائل بود و اساس همین حق است که از منظر حقوق عمومی، این اثر را تقلبی می‌نامد. پس، به‌عنوان ابزار جرم هم، با توجه به سکوت قانون و برخورداری از وصف اصالت نباید ضبط شود. به‌عکس، اگر اثر، مجعول و بی‌ارزش یا بر پایه نقض حقوق مالکیت فکری دیگران تهیه شده باشد، چنین حقی هم برای واگذارنده نیز نیست و ضبط آن به‌عنوان وسیله جرم صحیح است.

از منظر عنصر معنوی و الزام وحدت، تقدم یا اقتران زمانی قصد میان مباشر و معاون جرم موضوع ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، وساطت یا نمایندگی در «تهیه، عرضه و واگذاری» نیز مانع مجرمانه بودن این اعمال در صورتی که به قصد انتفاع و با هدف ارائه کل اثر یا بخشی از آن توسط دیگری به‌عنوان اثر خود انجام شده باشد، نیست و واسطه یا نماینده را، حسب مورد، می‌توان به‌عنوان مباشر یا معاون مورد پیگرد قرار داد، آنچنان که در تبصره ۱ این ماده به فرض معاونت در این بزه توجه شده و در تبصره ۲ آن به موارد ارتکاب این جرم از طریق پایگاه الکترونیک یا در قالب یک بنگاه، اعم از مؤسسه، شرکت یا هر عنوان دیگر اشاره شده است.

در تبصره ۵ ماده واحد، مقنن طی حکمی مبهم میان «تهیه» و «ارائه خدمات در جریان تهیه» این آثار تمییز قائل شده است: «*ارائه خدماتی که در جریان تهیه آثار پژوهشی-علمی و*

۱. تبصره ماده ۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی: «سرقته ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه». برخی ادیبان یازده اصل را در «سرقته ادبی» برشمرده‌اند که مرزهایشان باریک و سختگیرانه است و تبصره ۶ ماده مرقوم را تنها باید مصداق ناچیزی از آن اصول دانست: نسخ یا انتحال؛ مسخ یا اغاره؛ سلخ یا المام؛ نقل؛ شبادی و دغل‌کاری یا دزدی بی‌برگه و بی‌نام و نشان؛ حل؛ عقد؛ ترجمه؛ اقتباس؛ توارد؛ و تنبع و تقلید (همایی، ۱۳۸۶: ۴۰۰-۳۵۷).

هنری انجام آنها توسط اشخاص ثالث متعارف است از قبیل خدمات آزمایشگاهی، تایپ، کمک به گردآوری داده‌ها، ترجمه، تکثیر و ویراستاری اثر، مشمول حکم مقرر در ماده واحده نیست». ابهام این تبصره که از مستثنیات حکم کلی ماده واحده است، در آن است که «جریان تهیه اثر علمی پژوهشی» تعریفی ندارد و همان‌طور که نوشتن طرح پژوهش، پلان کار (فهرست مطالب) را شامل می‌شود، تهیه انواع فهرست مطالب، منابع، نقشه‌ها، بردارها، تحلیل‌های جامعه آماری، ترجمه، تکثیر، ویراستاری، تدوین و نتیجه را نیز می‌تواند در برگیرد. به هر روی، مقصود از اشخاص ثالث نیز معلوم نیست. ثالث نسبت به نویسنده و دانشگاه یا ثالث نسبت به نویسنده و استادان راهنما و مشاور؟ اینکه ارائه چه خدمتی متعارف است نیز بر ابهام این تبصره می‌افزاید، صرف‌نظر از اینکه نمی‌توان به‌درستی عرف یا امر متعارف را در اینجا برای تعریف موضوع جرم یا تبیین ارکان آن پذیرفت؛ به عقیده علمای حقوق کیفری، «عرف در احکام جزایی شأنی ندارد: فقط برای احراز موضوع مسائل جزایی می‌توان به آن مراجعه کرد، مثلاً عرف پزشکی» (بهری، ۱۳۸۱: ۱۱۰). ایراد و اشکال اصلی که آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۳ هیأت وزیران نیز از عهده رفع آن برنیامده^۱، در این است که در این باره عرف شناخته‌شده‌ای وجود ندارد و در عرف هیچ معیار مشخصی برای شناخت و تمایز «خدمات در جریان تهیه» از خود «تهیه» که موضوع متن ماده است دیده نشده و موضوع آنچنان متشتت و سلیقه‌ای است که به‌سادگی، کلیه اعمال مجرمانه موضوع این قانون را می‌توان در قالب اقدامات متعارف در جریان تهیه، توجیه کرد.

همچنین عرف ممکن است با توجه به سختگیری یا آسان‌گیری استادان راهنما یا مشاور یا نوع و قدمت دانشگاه و محل تحصیل یا رویکرد قاضی رسیدگی‌کننده و حتی رشته تحصیلی، متفاوت باشد و ضابطه مشخصی برای آن یافت نشود و اگر هم عرفی وجود داشته باشد، بسیار مذموم و ناپسند باشد، درحالی‌که وظیفه قانون حذف عرف بد است نه تأیید آن (در این باره ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۴-۶۳). برای نمونه، اگر دانشجوی خارجی زبان و ادبیات فارسی، رساله خود را به یک فارسی‌زبان بدهد و او با ویرایش، متنی دقیق و سلیس و قوی تهیه کند، بی‌گمان این ویراستاری مصداق تبصره ۵ نیست؛ عرفاً متن بی‌غلط و پیراسته یک دانشجوی خارجی، در ادب فارسی، به‌سختی به او منتسب است.

از سوی دیگر، مصادیقی همچون گردآوری داده‌ها، ترجمه، تکثیر و ویراستاری اثر، مصادیق صحیحی برای خدمات جریان تهیه نیستند. برای نمونه، کافی است گردآورنده داده‌ها به‌طور مبتکرانه عمل کند که در این صورت مالکیت ادبی یا هنری آنچه گرد آمده متعلق به خودش

۱. بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه: «خدماتی که بخشی از فرایند ماهوی طراحی، انجام و گزارش نتایج پژوهش نیستند و برون‌سپاری آنها توسط گروه پژوهشی یا پژوهشگر به شخص ثالث در ازای پرداخت حق‌الزحمه یا مانند آن براساس عرف علمی متخصصین هر رشته موجه است».

است و عرضه یا واگذاری آن به دیگری همچنان مشمول عنوان مجرمانه موضوع ماده‌واحد خواهد بود. بر این بنیاد، اگرچه مقنن در برخی موارد حتی در حقوق کیفری به امر متعارف ارجاع می‌کند (مانند بند «ت» ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی درباره تأدیب و محافظت صغار و مجانین) و برخی حقوقدانان نیز در این حد آن را می‌پذیرند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۴۱-۱۴۰)، اما پذیرفتنی نیست که عرف یا امر متعارف در این ماده‌واحد برای تشخیص «خدماتی که در جریان تهیه» ارائه می‌شود، به کار رود.

ایراد دیگر مربوط به ترجمه است که مشمول ماده ۱ «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار» مصوب ۱۳۵۲ است و قانوناً برای مترجم حق مالکیت فکری نسبت به آنچه ترجمه شده، ایجاد می‌شود. از این رو، توصیف آن به‌عنوان یک خدمت در جریان تهیه در همه موارد صحیح نیست، چراکه به تعبیر برخی حقوقدانان خود ترجمه می‌تواند «منبع درآمد سرشار» برای مترجم باشد (صفایی، ۱۳۷۵: ۷۵) و همان‌طور که پدیدآورنده یک اثر باید درباره سرنوشت ترجمه اثر تصمیم بگیرد، مترجم نیز مورد حمایت است و نمی‌توان به‌سادگی از حق او گذشت و ترجمه را عملی در راستای کمک و ارائه خدمت در جریان تهیه توصیف کرد. همچنین بر بنیاد اصول حقوق مالکیت فکری، ذکر نام مترجم در تمامی موارد الزامی است (صفایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۸). ویراستاری نیز چنین است. ویراستار، حق درج نام خود را دارد و از نظر مادی نیز کارش مأجور است.

اگر تمام این ارائه خدمات به قصد انتفاع و برای این باشد که دیگری، تمام یا بخشی از آن را به‌عنوان اثر خود استفاده کند، دیگر میان ارائه خدمت در «جریان تهیه» و خود «تهیه» فرقی باقی نمی‌ماند. به‌ویژه آنکه امروز گردآوری داده‌ها در جهت‌دهی به پژوهش، نقش بسزایی دارد و خود بخشی از تحقیق و پژوهش است و ترجمه نیز نقش زیادی در مطالعات تطبیقی دارد و ویرایش علمی قطعاً در ارزیابی سطح کیفی آثار، معیار شناخته‌شده‌ای است.

واقعیت این است که در پژوهش تحصیلات تکمیلی، اگر کسی که می‌خواهد پایان‌نامه علمی یا رساله دکتری بنویسد، ناتوان از ترجمه باشد یا اینکه اگر یک استاد یا پژوهشگر قادر به گردآوری داده‌ها یا ترجمه نباشد و با ادبیات مرسوم و مقبول زبان مورد نگارش بیگانه باشد، به‌سادگی در جامعیت دانش او می‌توان تردید کرد.

حکم کسی که مآخذ دیگری را که به تعبیر استاد همایی «چهبسا ماه‌ها و سال‌ها، رنج تتبع و تصفح می‌برد و سرگشته و سراسیمه از این کتاب به آن کتاب و از این کتابخانه به آن کتابخانه می‌دود، تا مطلبی تازه به چنگ می‌آورد، و آن را در کتابی یا مقاله‌ای می‌نویسد و برای اینکه نوشته خود را مستند و مستدل نموده باشد، مأخذ و سند خود را هم، در حاشیه غالباً با ذکر صفحه و سطر و دیگر خصوصیات نسخه، به‌دست می‌دهد» را «سند کار خود قرار دهد» و مرتکب «شیادی و دغل‌کاری یا دزدی بی‌برگه و بی‌نام‌نشان» شده (همایی، ۱۳۸۶: ۳۷۱-۳۷۰)، از نگاه عمل تهیه یا خدمات در جریان تهیه چیست؟ استاد همایی آن کار را که شوربختانه در پژوهش‌ها

رواج یافته «سرقت مدارک و مآخذ تحقیقی فضلا و دانشمندان» دانسته است (همایی، ۱۳۸۶: ۳۷۰). رفتار کسانی که چنین می‌کنند، به‌گونه‌ای است که گویا مباح‌ترین کار را انجام داده‌اند! به باور نگارنده، دیدن و بررسی منابعی که پژوهشگران پیشین استناد کرده‌اند، به‌خودی‌خود عیب نیست، بلکه هنر است، مشروط بر اینکه پلی باشد برای پدیداری دانشی نوتر؛ چه اینکه کمال پژوهش دیدن همه نوشته‌های پیشین را خواستار است. بی‌هنری آنجایی است که این به اصطلاح پژوهشگر، منابع آن «محقق زحمتکش» را می‌دزدد و حتی در فرضی هم که دسترسی ندارد، نقل قول غیرمستقیم هم به آنها نمی‌کند. پس، اگر کسی به منابع و مآخذ پژوهش دیگران ارجاع کند تا پژوهشگری خود را وانمود کند، «پژوهشگر نما» است و عملش بی‌گمان تقلب علمی است، به‌ویژه اگر به قصد اثبات تقدم فضل خود باشد.

از نظر پژوهنده، یا باید گفت که این بخش از حکم مقنن با فلسفه وضع چنین قانونی منطبق نیست یا اینکه باید پذیرفت که موضوع تبصره فقط فاقد وصف کیفری است، اما از حیث حقوق مالکیت فکری، مواردی همچون ترجمه، ویراستاری و گردآوری داده‌ها، باید با رعایت حقوق معنوی پدیدآورنده آن باشد، مگر اینکه موضوع اجاره خدمات فوق مطرح باشد و موجر به دنبال کسب حقی نباشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۴۵). با این وصف، سایر خدمات مانند خدمات آزمایشگاهی، تایپ و تکثیر، به‌نحوی نیست که مؤثر در ارزیابی پژوهشی اثر باشد. داوری درباره اثر این خدمات نزد استاد آن دانش دشوار نیست.

بایسته بود مقنن به‌جای احاله به عرف، میان خدماتی که در ارزش علمی-پژوهشی اثر مؤثر است و دیگر موارد، تمییز قائل می‌شد. عبارت «فرایند ماهوی» در بند ۴ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز با تسامح بدین معنا تفسیرشده است.

واکنش کیفری یا اداری به تقلب علمی

مقنن میان «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثار» و استفاده از «تولیدات و محصولات ناشی از این جرم» تمایز ظریفی ایجاد کرده است که به نظر ریشه در احترام به صلاحیت نهادهای اداری، انتظامی و انضباطی دانشگاه‌ها دارد و به‌نوعی توسل به واکنش کیفری را نخستین گزینه نمی‌داند.

۱. واکنش کیفری به تولید آثار تقلبی

اگرچه حقوق کیفری بخشی از حقوق عمومی است و جرم یک رفتار، اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۰)، تولید تقلبی در این قانون از آثار انتظامی و اداری متمایز شده است. محکومیت به کیفر فقط ناشی از جرم است که می‌تواند دو حیثیت عمومی و خصوصی داشته باشد و دو نوع دعوا تولید کند

(مواد ۸ و ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲)، اما مقنن در این ماده‌واحد تکلیف حیثیت جرم تقلب در آثار علمی را مشخص نکرده است.

با توجه به اینکه نتیجه تقلب، فروکاستن ارزش علم، دانش، مدارک تحصیلی، دستمایه فریب نمودن پایه‌ها و عناوین دانشگاهی است و سبب رواج پوچی و گسترش بیهودگی ادامه تحصیل و کسب دانش می‌شود و جایگاه علم و عالم را در دیدگان مردم و به‌ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان متنزل جلوه می‌دهد، با لحاظ این آثار عمومی، این جرم حیثیت عمومی دارد.

تقلب و تکرار نوشته‌های قبلی در دانشگاه، موجب هدررفت سرمایه ملی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و حوزه‌های علمیه می‌شود و «سرقت و انتحال^۱ کار دیگران» است که آنچنان که گفته‌اند، بدترین «آفت» برای هر محقق است (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۲). بر این اساس، جرم موضوع این ماده‌واحد را باید در ردیف بند «الف» ماده ۸ و بند «الف» ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری قرار داد و با عطف توجه به تفکیک میان تعقیب جرم و اقامه دعوی عمومی در پایان تحقیقات مقدماتی و متعاقب بر صدور قرار جلب به محاکمه (آشوری، ۱۳۹۵: ۱۵۱)، دادستان هم تعقیب‌کننده جرم و هم اقامه‌کننده دعوی عمومی خواهد بود. این جرم قابل گذشت هم نیست، چراکه برابر تبصره ماده ۱۲ قانون اخیر، تعیین جرم قابل گذشت به حکم قانون انجام می‌گیرد. از نظر اجتماعی و حقوق عمومی به جرم نگاه‌های متفاوتی شده است (باهری، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۷). این جرم به‌واقع شرایط اساسی زندگی اجتماعی در عرصه دانش و پژوهش را نشانه گرفته است و نباید در گستره حقوق خصوصی رها باشد.

با این وصف، چون مقنن هم سفارش‌دهنده و هم تهیه‌کننده، عرضه‌کننده و واگذارنده اثر تقلبی را مجرم شناخته، تصور وجود مدعی خصوصی که به‌دنبال جبران ضرر و زیان ناشی از جرم باشد دشوار است، چه، آنچنان که برخی تأیید کرده‌اند که در دعوی خصوصی، زبانی قابل مطالبه است که بزه‌دیده آن را دیده و ناشی از جرم باشد و لاجرم هر دعوی قابل طرح در دادگاه حقوقی، در دادگاه کیفری قابل اقامه نیست (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۹۴).

به لحاظ همین آثار حقوق عمومی و نفی رابطه حقوق خصوصی است که در صورت ارتکاب این جرم، وجوهی که تحصیل شده است، به بزه‌دیده داده نمی‌شود و باید به خزانه دولت واریز شود (تبصره ۲ ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی) و این مهم از این منظر قابل توجیه و ریشه‌یابی است که در ارتکاب جرم موضوع ماده‌واحد، هر دو طرف رابطه حقوقی یا پدیده مجرمانه، بزهکار به شمار می‌آیند و از این رو، وجه ردوبدل شده باید به نفع خزانه دولت دریافت شود. بایسته بود

۱. استاد همایی در این باره نوشته‌اند: «انتحال به معنی سخن دیگری بر خویش بستن است، و در اصطلاح آن است که گفته یا نوشته دیگری را عیناً، حرف به حرف و بی‌کم و زیاد، بدون تصرف و تغییر، یا با اندک تصرفی که از حدود تغییر تخلص شعری و نام کتاب و مؤلف تجاوز نمی‌کند، به خود نسبت دهند» (همایی، ۱۳۸۶: ۳۵۸) و نیز برای بررسی بیشتر: ر.ک: هاشمی‌پور، ۱۳۸۲: ۲۸۸.

مقنن وجوه واریزی به خزانه را به بودجه پژوهش‌های درست و راستین در کشور اختصاص می‌داد و به جای عبارت واریز، «ضبط» را به کار می‌برد که اصطلاحی شناخته‌شده در حقوق کیفری است. پس، فقط تهیه‌کننده آثار تقلبی، بزهکار (ناقض حقوق عمومی) نیست، بلکه سفارش‌دهنده این آثار نیز مشمول چنین حکمی است و نباید حکم قانون را صرفاً ناظر بر اشخاص حقیقی یا حقوقی سفارش‌پذیر عمل تهیه، عرضه یا واگذاری این آثار دانست.

در کیفر مرتکب جرم نیز قانونگذار میان شخص حقوقی و حقیقی فرق ایجاد کرده و حکم شخص طبیعی را جزای نقدی درجه سه و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش مقرر کرده است که این جزای نقدی، برابر ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ تا ۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است و آن محرومیت هم به استناد همین ماده بیش از شش ماه تا پنج سال خواهد بود. درباره اشخاص حقوقی، مقنن ترکیبی از مجازات مرتکبان، مدیران و گردانندگان و مجازات خود شخص حقوقی را برابر مواد ۲۰ تا ۲۲ آن قانون پیش‌بینی کرده که هم برخی ممنوعیت‌ها را در برمی‌گیرد و هم جزای نقدی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر جزای نقدی اشخاص طبیعی، انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال را شامل می‌شود.

با این وصف، مقنن حکم اشخاص حقوقی سفارش‌دهنده را مشخص نکرده و به نظر می‌رسد که فرض را بر آن نهاده که شخص حقوقی همواره سفارش‌پذیر است. اما، اگر شخص حقوقی سفارش‌دهنده این آثار به نفع اشخاص طبیعی باشد، عمل او اگر مشمول مباشرت نیست، یا مصداق معاونت در این جرم است که حکم آن در تبصره ۱ این ماده واحد آمده و کیفر آن حداقل مجازات‌های مباشر است یا اینکه باید با او برابر تبصره ۲ ماده واحد رفتار شود که درباره آن خواهیم نوشت.

از منظر حقوق عمومی است که قانونگذار به طریق ارتکاب این جرم در تبصره ۲ این ماده واحد توجه کرده است: «در صورتی که ارتکاب جرم موضوع این قانون از طریق پایگاه الکترونیکی و یا در قالب بنگاه (شامل موسسه، شرکت یا هر عنوان دیگر) اعم از ثبت شده یا نشده انجام شود و یا برای انجام آن اقدام به تبلیغ به هر نحو گردد، مرتکب یا مرتکبان به میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر فوق محکوم می‌شوند».

حکم این تبصره که با لحاظ آسیب گسترده به حقوق عمومی، متضمن تشدید مجازات است، از نظر ارتکاب جرم به وسیله پایگاه الکترونیکی، قابلیت توجیه دارد، چراکه مرتکب در این پایگاه‌ها می‌تواند مشتریان بیشتری را کسب کند و عمل او فرق دارد با فرضی که یک نفر به تنهایی و بدون چنین امکاناتی در تقلب شرکت کرده و گهگاه از بهره و ذوق ادبی، علمی یا هنری خود درآمدی به فراخور کسب می‌کند.

با این وصف، عبارت «در قالب بنگاه (شامل مؤسسه، شرکت یا هر عنوان دیگر) اعم از ثبت شده یا نشده/انجام شود» توجیه مناسبی ندارد و با حکم مندرج در بند ۲ ماده واحد که از نحوه مجازات

شخص حقوقی سخن گفته بود، به‌سادگی قابل جمع نیست؛ چراکه بنگاه اعم از مؤسسه یا شرکت، شخص حقوقی است و قاعداً باید به حکم آن بند مجازات شود، مگر اینکه گفته شود بنگاه (مؤسسه یا شرکت) در اینجا سفارش‌دهنده تهیه، عرضه یا واگذاری به نفع شخص طبیعی است که در این صورت، حکم بزه آن متفاوت با حکم مذکور در بند ۲ ماده‌واحد خواهد بود.

در تبصره ۲ این ماده باز به پاسداری از حقوق عمومی و صیانت از محیط دانشگاهی، به امکان پلمپ چنین محل‌هایی اشاره شده که مورد نیاز است: «به درخواست یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و یا بهداشت درمان و آموزش پزشکی یا سایر مراجع مربوطه و با دستور مراجع قضایی حسب مورد مهر و موم (پلمپ) یا متوقف می‌شود» تا از ادامه ارتکاب جرم جلوگیری شود. متأسفانه، قانونگذار در اینجا همچون پلمپ محل کسب فاقد پروانه (ماده ۲۷ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲) یا محل غیرمجاز تشخیصی و درمانی (مواد ۱ و ۲ قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۴ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴) عمل نکرده که در مورد اخیر به «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، اجازه تعطیلی مؤسسه پزشکی و دارویی را رأساً می‌داد. مقنن در این ماده‌واحد، صرفاً به وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا سایر مراجع مربوط اجازه داده است تا از مراجع قضایی چنین درخواستی کنند و با دستور آن مرجع قضایی، آن محل را پلمپ یا پایگاه را متوقف کنند.^۱ برای رفع این اشکال اگر ادعا شود که حکم آن تبصره درباره محیط درون دانشگاه نیست، پر بیراه خواهد بود و در این محیط، مقامات دانشگاه می‌توانند محلی را که در آن آثار تقلبی موضوع قانون حاضر، تهیه یا عرضه یا واگذار می‌شوند، ببندند و مانع هتک بیشتر حرمت دانشگاه شوند. در تکمیل این حکم، در تبصره ۴ این ماده واحد مقرر شده است که «بازرسان وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی در اجرای این قانون و مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ پس از فراگیری مهارت‌های لازم، عندالافتضا می‌توانند به‌عنوان ضابط خاص محسوب شوند». احکام ضابط به سه دسته ضابط عام، ضابط خاص و ضابط نظامی تقسیم می‌شود، (مواد ۲۸ تا ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری). افزایش جمعیت کشور، صنعتی شدن، انقلاب و سایر عوامل ضرورت ایجاد گروه‌های دیگری را علاوه بر ضابطان عام ایجاد کرد (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۴۲). در اینجا نیز رشد نگاه حقوق عمومی به اثر علمی-پژوهشی موجب شده است این ضابطان خاص پیش‌بینی شوند که در حدود صلاحیت خود و پس از دیدن آموزش‌های لازم عمل می‌کنند.

۱. ماده ۳ «آیین‌نامه اجرایی قانون تعطیل مؤسسات و واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون مجوز قانونی دایر شده و می‌شود» مصوب ۱۳۷۳ نیز مقرر نموده: «هر یک از وزارتخانه‌ها می‌توانند حسب مورد، منفرداً یا مشترکاً به‌عنوان شاکی علیه مؤسسات و واحدهای غیرمجاز در مراجع صالحه طرح شکایت نمایند».

پیش از این، در ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون تعطیل مؤسسات ... به مأموران این وزارتخانه‌ها اشاره شده بود و حکم قانونگذار در اینجا، به نظر متکی بر همین سابقه تقنینی است. در ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی نیز به بازرسان وزارتخانه اشاره شده است که می‌توانند ضمن گزارش به وزارت یا مؤسسه، مراتب را برای تعقیب به دادستان شهرستان اعلام کنند.

به هر روی، عبارت «سایر مراجع مربوطه» در این تبصره به نظر ظهور در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دارد که آنان نیز می‌توانند همچون آن دو وزارتخانه صدور چنین دستوری را از مرجع قضایی بخواهند بی‌آنکه این دانشگاه‌ها یا مراکز مستقیماً بزه‌دیده جرم باشند. برای نمونه، دانشگاه تهران می‌تواند با اعلام جرم یا حتی پیش از آن، درباره اعمال مجرمانه‌ای که در اطراف محدوده آن روی می‌دهد، پلمپ بنگاه یا توقف پایگاه الکترونیکی را از مرجع قضایی درخواست یا با کمک ضابطان مذکور اقدام کند.

۲. برخورد اداری با استفاده از اثر تقلبی

مقنن به دو شیوه واکنش به استفاده از آثار متقلبانه توسط اعضای هیأت علمی، کارمندان، دانشجویان و طلاب را در صلاحیت نهادهای اداری، انتظامی و انضباطی دانشگاه قرار داده است: یک اینکه آن موجب «سلب هرگونه امتیاز مادی و یا معنوی مترتب با آن و ملغی‌الاثربودن هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبه علمی، رتبه و یا عناوین مشابه علمی» می‌داند؛ و دوم اینکه برای «اعضای هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و طلاب» تخلف انتظامی یا انضباطی، حسب مورد، مقرر کرده است.

بی‌تردید توجه مقنن به مقوله سلب امتیاز و رسیدگی به تخلف، گویای نوع نگاهی است که به تأثیرات استفاده از اثر تقلبی در محیط دانشگاه داشته است؛ به بیان دیگر، مقنن با پیش‌بینی سلب آثار مادی و معنوی و متعاقباً پیگرد انتظامی یا انضباطی، کوشش دارد کسانی را که با پژوهش و دانش سروکار دارند، بیشتر با برخورد انتظامی یا انضباطی و سلب آثار آن، مورد بازخواست قرار دهد تا اینکه بخواهد با توسعه سیاست برخورد کیفری، ایشان را در دادگستری به محاکمه بکشاند. این رویکرد که مرز باریکی میان «ارتکاب تقلب» و «استفاده از تقلب» ترسیم کرده و مورد دوم را برای دانشگاهیان و دانشجویان و طلاب با کمک حقوق اداری اعمال می‌کند، با ماهیت رفتار علمی و صعوبت تشخیص آن در محیط علم همسوتر است. بر این بنیاد، سلب آثار و امتیازات مادی و معنوی نیز در بخش‌های پژوهشی و آموزشی یا اداری در دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد و برخورد انتظامی و انضباطی موضوع به هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا کمیته‌های انضباطی دانشجویان ارجاع می‌شود.

در مجموع، از این قانون می‌توان «اصل صلاحیت رسیدگی به اعمال موضوع این قانون در مراجع اداری، انتظامی و انضباطی در درون دانشگاه» را برداشت کرد که به دلایل مذکور،

درست است. اثر مهم این اصل آن است که برای رسیدگی در مراجع دانشگاه، اصولاً ضرورتی به تقدم رسیدگی قضایی به جرم تقلب، در مراجع قضایی نیست و این‌گونه رسیدگی تناسبی با محیط دانشگاه ندارد.^۱ دربارهٔ طلاب نیز اینکه مقنن، دادسرا یا دادگاه ویژهٔ روحانیت را صالح دانسته، در همین زمینه است، اگرچه خواهیم دید که نقدی هم بر آن هست. با این وصف در آیین‌نامهٔ اجرایی این قانون کارگروه وزارتی و کارگروه هر مؤسسه در مادهٔ ۳ آن پیش‌بینی شده است که مورد اخیر برابر مادهٔ ۱۰ آن، به گزارش‌های ارتکاب تخلفات پژوهشی رسیدگی می‌کند و نظر مشورتی می‌دهد.

به اهمیت رعایت اخلاق پژوهش و مالکیت معنوی در بندهای ۱۷ و ۱۸ مادهٔ ۷ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات کشور مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات سال ۱۳۸۷ نیز تصریح شده است و اگرچه اخلاق پژوهش اصول شناخته‌شده‌ای دارد (ر.ک: قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۲) و بر هویت و اعتبار مالکیت فکری و اصول آن خدشه‌ای نیست و پژوهشگر باید آنها را رعایت کند، در قانون موضوع این مقاله، برای این رفتار مجازات‌های انتظامی یا انضباطی آمده و مقنن بیشتر از حقوق عمومی بهره برده است:

عضو «هیأت علمی به یکی از مجازات‌های ردیف (۷) تا (۱۱) مادهٔ (۸) قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن» محکوم می‌شود و «دانشجو به یکی از مجازات‌های ردیف (ب-۱) تا (ب-۵) مادهٔ (۷) آیین‌نامهٔ انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۳۵۸ مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ شورای انقلاب فرهنگی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن» محکوم می‌شود و دربارهٔ «کارکنان اداری به یکی از مجازات‌های ردیف (د) تا (ک) مادهٔ (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن» حکم صادر می‌شود.

۱. جلوه‌ای از همین اصل را در رأی شمارهٔ ۴۹۱ مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می‌بینیم: «بر مبنای تبصرهٔ ۶ ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیهٔ آثار علمی مصوب ۱۳۹۶/۵/۳۱، در صورت استفاده از آثار متقلبانه موضوع این قانون توسط اعضای هیأت علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و طلاب، ضمن سلب هرگونه امتیاز مادی و یا معنوی مترتب بر آن و ملغی‌الاثربودن هرگونه مدرک تحصیلی، پایه، مرتبهٔ علمی، رتبه و یا عناوین مشابه علمی، به تخلفات نامبردگان حسب مورد توسط هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی، هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، کمیته‌های انضباطی دانشجویان و یا دادسرا و دادگاه ویژهٔ روحانیت رسیدگی شده و به مجازات‌های مقرر در این تبصره محکوم می‌شوند. با توجه به حکم قانونی فوق، اطلاق حکم مقرر در مواد ۲۷ و ۳۷ آیین‌نامهٔ دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی (ویژهٔ دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی) که در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۱ از سوی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شده، از جهت عدم طرح موضوع تخلف علمی دانشجو در کمیته‌های انضباطی موضوع تبصرهٔ ۶ ماده‌واحد قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیهٔ آثار علمی، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ مادهٔ ۱۲ و مادهٔ ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود».

همچنین برابر تبصره ۸ این ماده واحد اگر کارکنان دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی برای استفاده از مزایای شغلی مرتکب جرم موضوع این ماده واحد شوند، مجازات انتظامی مقرر در بند «د» ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نسبت به مرتکب اعمال شود.

بند «ت» تبصره ۶ ماده واحد درباره «طلاب» به‌طور کلی به «قوانین و مقررات داسرا و دادگاه ویژه روحانیت» و معلوم نشده که آیا شامل همه روحانیان و از جمله استادان حوزه‌های علمیه می‌شود؟ و اگر نمی‌شود حکم استادان و پژوهشگران حوزوی چیست؟^۱، به هر روی مقنن از تشریح نوع مجازات آنان به کلی امتناع کرده که از حیث اصول قانونگذاری نادرست است. معلوم هم نیست که آیا مقصود طلابی است که در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند یا عضو هیأت علمی هستند یا طلابی که در حوزه‌ها تحصیل می‌کنند و آیا فقط در فرض اخیر است که باید به داسرای مزبور معرفی شوند؟ در فرض نخست، این سخن که باید در مراجع اداری و انتظامی و انضباطی دانشگاه به موضوع تقلب ایشان رسیدگی شود، دور از ذهن نیست؛ چه اینکه این اعمال مستقیماً به طلبه بودن (به معنای روحانیت) ایشان مربوط نیست؛ طالب علم بودن چنین الزاماتی دارد.

درباره اعضای هیأت علمی برابر ماده ۱۳ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی و تبصره آن، اگر این اعمال دارای وصف کیفی باشند، هیأت رسیدگی به تخلفات انتظامی الزاماً مراتب را به مرجع قضایی اعلام می‌کند. حکم مراجع قضایی صرفاً از حیث جنبه عمومی برای مراجع انتظامی لازم‌الاتباع است و اثری بر وصف انتظامی این قبیل اعمال ندارد و به همین علت وفق آن ماده «در صورتی که مجازات تعیین شده از طرف مراجع قضایی همان مجازات مقرر در این قانون باشد مجازات تکرار نخواهد شد و در غیر این صورت حکم مراجع قضایی مانع مجازات‌های انتظامی نخواهد بود». بر این بنیاد به نظر می‌رسد همان‌طور که تقدم رسیدگی قضایی بر رسیدگی انتظامی وجود ندارد، در فرض ارجاع جنبه کیفی به مراجع قضایی نیز، قرار منع تعقیب یا حکم برائت مرجع قضایی، مانع اعمال مجازات انتظامی نخواهد بود.

با این وصف، مقنن در بندهای ۳ و ۴ تبصره ۷ این قانون به‌نوعی از قاعده مذکور عدول کرده و «اعمال مجازات انتظامی اخراج دانشجو یا ابطال پایان‌نامه و رساله یا مدرک تحصیلی» و «اعمال مجازات انتظامی تنزل رتبه یا پایه عضو هیأت علمی، اخراج، لغو قرارداد» را «در صورت احراز جرم موضوع این قانون در آثار علمی با توجه به میزان تخلف» میسر دانسته که به تقدم رسیدگی قضایی منجر شده است. مبنای این عدول روشن نیست؛ می‌توان گفت که آثار خطیر

۱. افزون بر این ابهام، پرسش این است که قلمرو این قانون درباره پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی که در حوزه‌های علمیه تهیه و دفاع می‌شود تا کجاست؟ بر پایه اصول حقوق مالکیت فکری فرقی در محل تهیه و دفاع پارساها نیست، اما، این ابهام آنگاه افزون می‌شود که روزگاری برخی اصول حقوق مالکیت فکری در برخی دیدگاه‌های فقهی مورد تردید بوده است (علیمحمدی و اولیایی، ۴۸: ۱۳۹۵-۴۱؛ حکمت‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۱۹۵).

این رفتارها متضمن رسیدگی قضایی بوده است. در ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی نیز به لحاظ حساسیت بالا، به لغو اثر مدرک تحصیلی حاصل از تقلب توجه ویژه شده و در نهایت امکان لغو از سوی مؤسسه صادرکننده را پذیرفته است که باز تأکید دیگری است بر اصل پیش‌گفته صلاحیت دانشگاه. همچنین است حکم تقلب دانش‌آموختگان دانشگاه‌های خارج کشور که مدرکشان ارزیابی شده است که در این صورت پرونده وی را وزارت به یکی از مؤسسات ارجاع می‌دهد (ماده ۱۳ آیین‌نامه).

پیشگیری و بازدارندگی از وقوع تقلب در آثار علمی

حقوق کیفری هم برای پیشگیری و بازدارندگی روش‌هایی مانند تعلیق مراقبتی دارد، اما در این ماده واحده مسیر دیگری را پیموده است؛ احترام به مالکیت فکری و برخورد با زمینه‌های مخفی‌کننده تقلب که هر دو ناشی از رشد نگاه حقوق عمومی است.

۱. احترام شایسته به مالکیت فکری

اگرچه تبصره‌های ۷ تا ۹ این ماده واحده با هدف پیشگیری از وقوع جرم نگاشته شده، اما در تبصره ۷ از یک سو تأکید شده که باید بر «ترویج فرهنگ احترام به حقوق مالکیت فکری از طریق گنجاندن دروس ذی‌ربط و اصلاح سرفصل برنامه‌های درسی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی» و «لزام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی به اعمال نظارت دقیق بر رعایت حقوق مالکیت فکری در آثار علمی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی» اقدام شود و از سوی دیگر، دوباره در اینجا حکم به «اعمال مجازات انتظامی اخراج دانشجو یا ابطال پایان‌نامه و رساله یا مدرک تحصیلی در صورت احراز جرم موضوع این قانون با توجه به میزان تخلف» و «اعمال مجازات انتظامی تنزل رتبه یا پایه عضو هیئت علمی، اخراج-لغو قرارداد در صورت احراز تخلف تقلب در آثار علمی با توجه به میزان تخلف»، مورد توجه قرار گرفته است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد مفهوم پیشگیری در این تبصره، اعم از پیشگیری و بازدارندگی باشد که برای تنبه دیگران یا در حق خود بزهکار اعمال می‌شود.

به هر روی، در پیشگیری، آنچنان که برخی پژوهشگران نیز تأکید کرده بودند (قایدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴)، مقنن دریافته است که بخشی از تقلب ریشه در ناآگاهی و ناآشنایی نویسندگان با مفاهیم بنیادین مالکیت فکری دارد؛ دانشجویان حتی در رشته‌هایی مانند حقوق، درسی الزامی با موضوع «حقوق مالکیت فکری» ندارند و فقط برابر «سرفصل مصوب یکصد و هفتمین جلسه شورای تحول و ارتقای علوم انسانی» مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مقطع کارشناسی حقوق، یک واحد اختیاری حقوق مالکیت فکری دیده

شده که کافی نیست. در مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی نیز در حال حاضر صرفاً یک درس اختیاری دوواحدی با این عنوان پیش‌بینی شده است که آن هم در بسیاری از دانشکده‌های حقوق تدریس نمی‌شود و برگزاری رشته حقوق مالکیت فکری هم با وجود تأثیر مثبت، تاکنون آنچنان که باید، فراگیر نشده و پیشگیری مطلوب و موردنظر مقنن از این طریق به‌سادگی تحقق‌پذیر نیست.

قانون حاضر تا حدی دست به رفع نقیصه زده و گنجانیدن درس مربوط به مالکیت فکری و اصلاح سرفصل برنامه درسی و برگزاری کارگاه آموزشی را به‌عنوان اقدامی پیشگیرانه و همه‌جانبه در راستای الزامات حقوق عمومی پذیرفته است.

ابزارهای حقوق عمومی با هدف «سیاست‌گذاری و انجام اقدامات پیشگیرانه» در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی پی گرفته شده و «کارگروه وزارتی اخلاق در پژوهش» با موضوع «تدوین استانداردها و راهنماهای اخلاق در پژوهش، نظارت، اعتباربخشی، ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین کارگروه‌های اخلاق در پژوهش مؤسسات، تدوین استانداردهای تهیه آثار علمی از قبیل رساله، کتاب، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی و مانند آن و رسیدگی به اعتراضات نسبت به تصمیمات کارگروه اخلاق در پژوهش مؤسسات» بنیان نهاده شده است. همچنین برای رعایت استانداردهای اخلاقی مصوب آن کارگروه وزارتی، در ماده ۳ آیین‌نامه «کارگروه اخلاق در پژوهش در سطح هر مؤسسه» پیش‌بینی شده است که بررسی آن از گنجایش این نوشته بیرون است.

۲. مبارزه با پنهان‌کاری در تقلب

تبصره ۹ ماده واحده به دنبال مبارزه با پنهان‌کاری چنین آورده است: «حوزه‌های علمیه و همچنین دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی فناوری دولتی و غیردولتی زیر نظر وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از جمله دانشگاه علمی کاربردی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد دانشگاهی، مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، مؤسسه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی و دانشگاه فرهنگیان موظف هستند از این پس پیشنهادها (پروپوزال‌ها)، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی خود را که فاقد طبقه‌بندی هستند در سامانه‌های اطلاعاتی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) ثبت و تأیید و فایل تمام متن و نتیجه را همانندجویی کنند». حکم این تبصره پیش از این به‌نوعی در «آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآورندگان آنها» مصوب ۱۳۹۵/۹/۶ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری آمده بود که اینک ارزش قانونی یافته است.^۱ برابر این آیین‌نامه،

۱. پیش از آن نیز به مقوله ساماندهی اطلاعات و آمار آثار پژوهشی در اسنادی همچون سیاست‌های کلی علم و

همانندجو «سامانه تحت وب است» که با دریافت متن از کاربر و مقایسه خودکار آن با متن کامل «پارسا» اهای موجود در پایگاه‌های «ایرانداک»، نوشته‌های همانند را بازیابی و اندازه‌همانندی و منبع اطلاعات همانند را نمایش می‌دهد. به هر روی، برابر ماده ۱۷ این آیین‌نامه «بالاترین مقام «مؤسسه»‌ها مسئولیت درستی اجرای این آیین‌نامه را بر عهده دارند و موظف هستند، فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و ترویجی لازم را برای درستی اخلاق پژوهش و رعایت حقوق پدیدآوران محتوای علمی و پژوهشی پیش‌بینی و پیوسته اجرا کنند» و برابر ماده ۱۳ آن، ایرانداک باید محرمانگی نتایج همانندجویی و حریم خصوصی پدیدآورندگان را حفظ کند و گزارش میزان و محل همانندی هر پارسا را تنها به دانشجو و استادان راهنما و مشاور آن پارسا و کسان دیگری ارائه کند که وزیر و رئیس هر مؤسسه تعیین می‌کند.

مع الوصف، این قسمت از حکم تبصره ۹ ماده‌واحد که مقرر کرده است: «رأیه گواهی ثبت و بارگذاری فایل تمام متن و نتیجه همانندجویی این مدارک برای هرگونه پرداخت مالی به استادان راهنما، مشاور و داور و تخصیص امتیاز در ترفیع و ارتقای آنها و همچنین دانشجویان الزامی است»، حکم جدیدی است که به نظر مسئولیت بالاترین مقام مؤسسه را با اجرای حکم تبصره ۹، به دانشجو، استاد و هیأت‌های ترفیع و ارتقا سرایت می‌دهد. در آیین‌نامه اجرایی نیز به ثبت پیشنهاد، مشابهت‌یابی پیش از دفاع و گواهی ثبت نهایی پارسا برای فراغت تحصیلی پافشاری درستی شده (ماده ۶).

این روش هم ریشه در پایش حقوق عمومی دارد که طرق تضمین محتوا و اصالت آثار پژوهشی را فراهم آورده است و به دلایل زیر، ورای حقوق خصوصی و فردی، به مدرک و پایان‌نامه می‌نگرد که نباید گرایش افراطی بدان دانشگاه را از کارکرد خود تهی کند:

نخست اینکه همانندجویی اعتبار مدارک و مدارج علمی را تضمین می‌کند و اینکه مانع دور ریختن سرمایه ملی مصروف در هر پژوهش و جلوگیری از پدیدآوردن آثار تکراری و بی‌فایده می‌شود. این مهم حاصل نمی‌شود، مگر با ایجاد سامانه‌های «همانندجو» و نظیر آن که به راحتی می‌تواند عوامل اصلی توسعه آثار تقلبی در دانشگاه‌ها را از بین ببرد؛ چراکه احتمال بی‌اطلاعی استادان و اعضای رسیدگی‌کننده از وجود پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را با فراهم آوردن امکانات جست‌وجو و کسب اطلاع برطرف می‌کند؛

دسترسی نداشتن استادان به آثار قبلاً تهیه‌شده را با امکانات دریافت فایل متنی رفع می‌کند؛ و سرانجام اینکه نبود فرصت کافی برای محققان و استادان در تطبیق آثار را با فراهم آوردن امکان تطبیق در سامانه همانندجو جبران می‌کند.

فناوری سال ۱۳۹۳ و بند ۶ ماده ۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ توسعه اشاره شده بود.

در حال حاضر ر.ک: بند «ت» ماده ۶۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵.

۱. پارسا هم در این آیین‌نامه واژه‌ای است بر ساخته از بخش نخستین دو واژه پایان‌نامه و رساله: (پا+رسا).

با این وصف، بنا نیست که این فناوری جایگزین انسان شود. به باور نگارنده، همانندجویی یا مشابهت‌یابی در تشخیص اصالت اثر قطعی ندارد و هیچ‌گاه جایگزین تشخیص و ارزیابی، حسب مورد، استادان و کارشناسان نمی‌شود. به بیان دیگر، داده‌های حاصل همانندجویی و مشابهت‌یابی جزو «امارات» موضوع ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی است که می‌تواند موجب علم یا اطمینان شد و دلیل بر امری باشد؛ حکمی که به‌نوعی در ماده ۱۰ آیین‌نامه ثبت و اشاعه... ۱۳۹۵ چنین آمده است: «تعیین اصالت محتوا در هر مدرک و داور دربارۀ آن، بر پایه گزارش «همانندجو»، بسته به مورد بر عهده «مؤسسه هاست». این اماره که خصوصیات امارات قانونی را دارد، آنگاه که با آزمودگی و دانش استادان راهنما، مشاور و داور یا اعضای کمیته اخلاق موضوع مواد ۳، ۶ و ۱۰ آیین‌نامه اجرایی این قانون محک می‌خورد، ارزش علمی و کارشناسی تعیین‌کننده‌ای می‌یابد.

نتیجه‌گیری

رابطه میان تولیدکننده اثر علمی-پژوهشی و استفاده‌کننده آن، رابطه خصوصی نیست؛ عمومی شدن این رابطه، در فرض تقلب یا تحقق در امور علمی پژوهشی است که هویدا می‌شود. حقوق عمومی به حمایت از تحقیقات دانشگاهی برخاسته و در واکنش به تقلب و فساد ناشی از آن، حقوقی را پدید آورده است که ترکیبی است از ابزارهای حقوق کیفری، حقوق مالکیت فکری و حقوق اداری-انضباطی. این حقوق، اخلاق تا حدی سختگیر پژوهشی را نیز به رسمیت شناخته است. غایت این حقوق جلوگیری از هدررفت سرمایه ملی و ناامیدی و پوچی است که موجب رواج صحت و اصالت آفرینه‌های فکری شده و در سطح وزارت و هر مؤسسه کارگروه اخلاق در پژوهش را بنیان گذارده است.

بر این اساس، تهیه، عرضه و واگذاری اثر علمی و پژوهشی (به معنای هر آفرینه علمی، ادبی یا هنری صرف نظر از نحوه بیان، تجلی و ایجاد) از سر شغل یا حرفه و برای اینکه گیرنده از آنها به‌عنوان اثر خود استفاده کند، به خلاف اصول حقوق مالکیت فکری، تقلب محسوب است که باید با آن مبارزه شود. از حیث موضوعی و تشخیصی، قوانین و مقررات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای شناخت چنین اثری ملاک خواهد بود که خود شکل دیگری از خودآیینی دانشگاه‌ها است. همچنین، شمول تقلب به صرف «تهیه» قبل از تبلور رسمی، تأکید بر شغل و حرفه تولید تقلبی اثر، دوسویه بودن این کار که سفارش‌دهنده و سفارش‌پذیرنده را در برمی‌گیرد، حفظ رابطه درست و اصیل انتساب اثر، شناخت حیثیت عمومی و فراتر رفتن از سرقت ادبی و انتحال، امکان ضبط وجوه حاصل از تقلب، امکان پلمپ محل تخلف، تشدید مجازات ارتکاب تقلب با امکانات فضای مجازی و شخص حقوقی،

پیش‌بینی ضابط خاص در کنار برخوردهای اداری، انتظامی و انضباطی و سرانجام توسعه ترویج فرهنگ مالکیت فکری و ایجاد سامانه عمومی همانندجو، همگی مظاهر ابزارهای حقوق عمومی در قانون سال ۱۳۹۶ هستند که برای مبارزه با تقلب و فساد ناشی از آن در دانشگاه‌هاست، وضع شده است.

با این وصف، برخی ایرادات بر قانون دیده می‌شود؛ ارجاع پرشمار به عرف، امکان تصور قصد معنوی در تولید اثر تقلبی، دشواری تمایز میان «تهیه» و «ارائه خدمات در جریان تهیه» و غفلت از یافتن معیاری برای سنجش عامل موثر در ارزیابی علمی-پژوهشی اثر، از این دست هستند که دانشگاه‌ها باید برای رفع آن رویه ایجاد کنند.

آنچه بیش از همه در این قانون ارزشمند است، تفکیک بین استفاده از اثر تقلبی از سوی عضو هیأت علمی، دانشجو و طلبه و دیگران که مرتکب عمل تقلب شده‌اند؛ در اولی، اصولاً واکنش اداری، انتظامی و انضباطی (درون دانشگاهی) است و در مورد دومی، راهکارهای کیفری توصیه شده است. بر این بنیاد، از این قانون می‌توان «اصل صلاحیت رسیدگی به اعمال موضوع این قانون در مراجع اداری، انتظامی و انضباطی در درون دانشگاه» را برداشت کرد که در جایگاه خود بسیار ارزشمند است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آشوری، محمد (۱۳۹۵)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران: سمت.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۱)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران: میزان.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۷)، *سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)*، تهران: سمت.
۴. باهری، محمد (۱۳۸۱)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نقش جهان.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، *حقوق اموال*، تهران: گنج دانش.
۶. ----- (۱۳۸۷)، *روش جدید در مقدمه عمومی علم حقوق*، تهران: گنج دانش.
۷. خالقی، علی (۱۳۹۴)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران: شهر دانش.
۸. دهخدا، اکبر (۱۳۸۵ الف)، *لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا*، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، دکتر ایرج ملکی و اکرم سلطانی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (دوره دوجلدی).
۹. دهخدا، اکبر (۱۳۸۵ ب)، *لغت‌نامه، فرهنگ متوسط دهخدا*، ج ۲، به کوشش دکتر غلامرضا ستوده، دکتر ایرج ملکی و اکرم سلطانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، (دوره دوجلدی).
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۸)، *سرطان اجتماعی فساد*، چ دوم، تهران: شرکت انتشار.

۱۱. همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۶)، *یازده اصل کلی در انواع سرقات ادبی*، در: *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چ بیست‌وششم، تهران: هما.

ب) مقالات

۱۲. حقیقی، فهیمه سادات؛ فرج‌الهی، مهران (۱۳۹۳)، «تقلب الکترونیک و سرقت ادبی چهره پنهان و چالش برانگیز نظام سنجش دانشگاه‌های باز و آموزش از راه دور و راهکارهای ممانعت از آن: مطالعه موردی دانشگاه پیام نور»، *آموزش و ارزیابی*، دوره ۲۸.
۱۳. حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۳)، *بررسی فقهی و اقتصادی مالکیت فکری*، اقتصاد اسلامی، سال نهم، ش ۳۳، صص ۳۹-۴۹.
۱۴. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، «تحقیق درست»، در: *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: سخن، چ پنجم، صص ۴۰۹-۴۱۶.
۱۵. صادقی، محسن؛ محسنی، حسن (۱۳۸۶)، «حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط در موافقت‌نامه تریپس و حقوق و تکالیف جمهوری اسلامی ایران در اثر الحاق به آن»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۱، ش ۲، صص ۱۲۷-۱۶۲.
۱۶. صادقی، محمود؛ شهبازی‌نیا؛ مرتضی؛ رضایی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، «بررسی حقوقی مالکیت آثار دانشگاهی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست علم و فناوری*، سال سوم، ش ۴، صص ۴۱-۵۷.
۱۷. صفایی، سید حسین؛ صادقی محسن؛ محسنی، حسن (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری و دارندگان حقوق مرتبط»، *مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۷۹-۹۶.
۱۸. صفایی، سید حسین؛ کاظمی، محمود (۱۳۹۳)، «آسیب‌های آموزش و پژوهش علم حقوق در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، *مجله حقوق تطبیقی*، دوره ۵، ش ۲، صص ۴۴-۴۹.
۱۹. صفایی، سید حسین (۱۳۷۵)، «مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»، در: *مقالاتی در حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*، تهران: میزان، صص ۶۴۹-۶۸۴.
۲۰. علی‌محمدی، طاهر؛ اولیایی، علی (۱۳۹۵)، «نگاهی نو به دیدگاه امام خمینی درباره مالکیت معنوی»، *دانش حقوق مدنی*، سال پنجم، ش ۲، صص ۴۱-۴۸.
۲۱. قایدی، مریم؛ مدهوشی مهرداد؛ رازقی، نادر؛ صفایی قادیکلایی، عبدالحمید (۱۳۹۷)، «تحلیل سیاست‌های مورد تأکید اسناد فرادستی در مقابله با فساد دانشگاهی»، *سیاست علم و فناوری*، سال ۱۰، ش ۳، صص ۱-۱۶.
۲۲. قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۳)، «خاستگاه اخلاق پژوهش»، *آینه میراث*، ش ۲۷، صص ۷-۱۷.
۲۳. محمدزاده وادقانی، علیرضا؛ محسنی، حسن (۱۳۸۸)، «معاهده برن برای حمایت از آثار

- ادبی و هنری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۲، صص ۳۷۱-۳۹۳.
۲۴. محمدی، پژمان (۱۳۸۷)، «ماهیت و اثر بهره‌برداری از حقوق مؤلف»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، ش ۳، صص ۱۴۵-۱۹۲.
۲۵. هاشمی‌پور، مرتضی (۱۳۸۲)، «ماجرای سرقت ادبی، انتقال از مرصاد العباد»، بخارا، مهر و آبان، ش ۳۲، صص ۲۸۴-۲۸۸.